

چرایی ذکر مطالب مربوط به همسران پیامبر ﷺ در قرآن

دکتر جواد ایروانی^۱ - زهرا حسین زاده^۲

چکیده

طرح مسائل مربوط به همسران پیامبر ﷺ در قرآن کریم، که برای هدایت بشر در همه عصرها و نسل هاست، این پرسش را ایجاد می کند که خوانش و اندیشه در آیات مشتمل بر آن ها، چه سودی برای دیگران دارد؟ و هم این، دستاویزی برای طیفی از اتهام ها علیه قرآن و رسول اکرم ﷺ با ادعای «خصوصی سازی» بخشی از قرآن از سوی پیامبر ﷺ شده است.

این نوشتار، به شیوه توصیفی - تحلیلی و روش کتابخانه ای، در صدد است از رهگذر «تأویل» مبتنی بر روایات، ضمن تبیین الگویی برگرفته از استخراج پیام های معرفتی، رفتاری و اخلاقی از این آیات، به پرسش یادشده پاسخ دهد. بر این اساس، تجرید آیات از خصوصیات و ملاسبات، استخراج پیام کلی، و تطبیق آن بر مصادیق عصری، راز فایده مندی آیات برای عصرها و نسل هاست. افزون بر آن، برخی از مسائل مربوط به همسران پیامبر ﷺ، در ارتباطی وثیق با مسائل اعتقادی مسلمانان است که ذکر آن ها را در متن کتاب آسمانی، نه تنها توجیه پذیر، که اجتناب ناپذیر می سازد.

کلید واژه ها: تأویل، جاودانگی قرآن، همسران پیامبر ﷺ، جری و تطبیق.

شکوه سال سی و هشتم / ش ۱۴۵ / زمستان ۱۳۹۸

iravani_javad@yahoo.com

۱. دانشیار دانشگاه علوم اسلامی رضوی.

Zhs.ma2016@gmail.com

۲. کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه فردوسی مشهد.

دریافت: ۱۳۹۹/۱/۲۸ - پذیرش: ۱۳۹۹/۲/۲۰ (ص ۸-۳۲).

طرح بحث

قرآن کریم کتاب هدایت جامعه بشری در پهنه تاریخ و برای همه عصرها و نسل‌ها تا روز قیامت است (بقره / ۱۸۵). از سوی دیگر و با توجه به فراوانی مسائل مورد نیاز بشر، قرآن کریم بیشتر به بیان چهارچوب‌های کلی و مفاهیم اصلی پرداخته و بیان جزئیات مسائل را به «سنت» سپرده است (بنگرید به: نحل / ۴۴). ضمن اینکه در بیان مطالب نیز نهایت «ایجاز» در سخن را رعایت فرموده و از ذکر مطالب غیرمرتبط با هدایت پرهیز نموده است (برای نمونه بنگرید به: کهف / ۲۲، ۲۵ و ۲۶).

از این رو، پرداختن قرآن به مسائل مرتبط با همسران پیامبر ﷺ این پرسش را ایجاد می‌کند که ذکر این گونه مطالب در قرآن چه سودی برای جامعه بشری دارد؟ و چرا مؤمنان به قرائت مداوم آیاتی ترغیب می‌شوند که از نظر محتوا و مفهوم، ارتباطی با آنان ندارد یا اصولاً زمان عمل به آن‌ها پایان یافته است؟ ضمن اینکه به شبهه «خصوصی‌سازی» بخش‌هایی از قرآن توسط پیامبر ﷺ، که از سوی مغرضان مطرح می‌شود، دامن می‌زند! این موضوع، به جز آیات مربوط به همسران پیامبر ﷺ، ابعاد دیگری نیز دارد که نیازمند مجال دیگری است.

پیش از ورود به بحث، ذکر نکته‌ای مقدماتی ضروری می‌نماید:

مروری بر دو قاعده مرتبط

رسیدن به پاسخ این پرسش‌ها، ارتباط وثیقی با دو قاعده مهم در عرصه معارف قرآنی دارد:

قاعده تأویل

تأویل در اصطلاح علوم قرآنی و تفسیر، کاربردهایی متعدد دارد، لیک در اینجا مقصود از آن، اصطلاحی خاص است که در روایات ریشه دارد. مفهوم مورد نظر را پیش‌تر افرادی همچون شاطبی تا حدودی تبیین کرده‌اند (شاطبی، ۱۴۲۰: ۳ / ۳۹۴)، و در عصر حاضر، قرآن‌پژوه بزرگ، استاد آیت‌الله معرفت رحمته‌الله به طور دقیق‌تر تبیین و تحدید آن پرداخته

است (معرفت، ۱۳۸۳: ۱/۳۱-۳۷).

مفاد این قاعده به اختصار چنین است که هر آیه، تنزیلی دارد و تأویلی؛ تنزیل آن، در نظر داشتن تمام خصوصیات زمانی و مکانی نزول آیه و از جمله شأن نزول، مخاطب، و گاه موضوع خاص مورد نظر در زمان نزول است و به دیگر سخن، فهم تاریخ مند آیه که به نوعی، ویژه شرایط، زمان و مکان عصر نزول می باشد، و تأویل آن، بدین معناست که ملابسات و خصوصیات زمانی و مکانی و از جمله شأن نزول، از مفهوم آیه جدا گردد و پیام کلی آیه استخراج شود، آنگاه این پیام بر مصادیق موجود در هر عصر تطبیق گردد. راستی آزمایی فرایند مذکور نیز آن است که مورد آیه، مصداقی از پیام استخراج شده باشد (همان جا). این قاعده، مشابه قاعده تنقیح مناط در فقه است (بنگرید به: حکیم، ۱۳۹۰: ۳۱۵).

براین اساس، اجرای «تأویل» مراحل ذیل را در بردارد:

یک. تجرید خصوصیات زمانی، مکانی و ملابسات آیه؛

دو. استخراج پیام کلی آیه؛

سه. تطبیق پیام آیه بر مصادیق عصری؛

چهار. سنجش صحت تأویل گیری.

مفهوم یاد شده مستند به روایاتی چند شده است؛ از جمله، از رسول خدا ﷺ نقل شده که فرمود: «ما فی القرآن آیه الا ولها ظهر و بطن» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۴۹/۹۴) و امام باقر علیه السلام در توضیح سخن یاد شده فرمود: «ظهره تنزیله و بطنه تأویله، منه ما مضی و منه ما لم یکن، یجری کما تجری الشمس و القمر» (صفار، ۱۴۰۴: ۲۱۶؛ عیاشی، بی تا: ۱/۱۱).

تعبیر به «بطن» برای مفهوم یاد شده از تأویل، از آن روست که مفهوم عام آیه، در ورای ملابسات و خصوصیات زمانی و مکانی آیه پنهان است (معرفت، ۱۳۸۳: ۱/۳۱).

نیز امام صادق علیه السلام فرمود: «لو کانت إذا نزلت آیه علی رجل ثم مات ذلك الرجل ماتت الآیه مات الكتاب، و لکنه حی یجری فیمن بقی کما جری فیمن مضی» (کلینی، ۱۳۶۷: ۱/۱۹۲؛ صفار، ۱۴۰۴: ۵۱؛ نیز بنگرید به: عیاشی، بی تا: ۱/۱۰).

قاعده جری و تطبیق

قاعده «جری و تطبیق» عبارت است از انطباق آیات قرآن بر مصادیقی غیر از آنچه آیات درباره آن‌ها نازل شده است (بنگرید به: شاکر، ۱۳۷۶: ۱۴۷). علامه طباطبایی با اشاره به این نکته که اصطلاح «جری» از سخنان اهل بیت علیهم‌السلام (بنگرید به: کلینی، ۱۳۶۷: ۱/ ۱۹۲؛ عیاشی، بی تا: ۱/ ۲۲-۲۳) گرفته شده است، می‌نویسد: «این شیوه ائمه اهل بیت علیهم‌السلام است که آیه قرآن را بر مواردی که قابل انطباق با آن است تطبیق می‌کنند، گرچه خارج از مورد نزول آن باشد» (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱/ ۴۱-۴۲).

یادکردنی است این قاعده، غیر از قاعده تأویل پیش گفته است که ابتدا با الغای خصوصیت، پیام آیه گرفته می‌شد و آنگاه بر مصادیق جدید تطبیق می‌گردید؛ چه، در اجرای قاعده جری، لزوماً به اخذ قاعده کلیه نیاز نیست، بلکه نوعی تطبیق ظواهر قرآن بر مصادیق می‌باشد. به دیگر سخن، تطبیق مفاد آیه بر مصادیقی خارج از مورد نزول که در فرایند قاعده جری روی می‌دهد (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱/ ۴۲)، ممکن است پس از الغای خصوصیت‌های ناشی از شأن نزول، زمان و مکان آیه، و بعد از استخراج پیام کلی آیه باشد؛ که در این صورت، قاعده جری در حقیقت، مرحله سوم از مراحل قاعده تأویل است که پیش‌تر بیان گردید؛ و چه بسا بدون اجرای قاعده تأویل، و تنها تطبیق ظواهر آیه بر مصادیقی غیر از مورد آیه باشد. برای مثال، تطبیق آیات «وَإِذَا الْمَوْؤُودَةُ سُئِلَتْ بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ» (تکویر / ۸-۹) بر «شهادت امام حسین علیه‌السلام» (بحرانی، ۱۴۱۶: ۵ / ۵۹۳)، مبتنی بر تجرید آیه از ملاسبات، استخراج پیام کلی، و سپس تطبیق آن بر این مورد خاص است، ولی تطبیق «أُوتُوا الْعِلْمَ» در آیه «بَلْ هُوَ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ فِي صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ» (عنکبوت / ۴۹) بر «ائمه علیهم‌السلام» (کلینی، ۱۳۶۷: ۱/ ۲۱۴)، نیازی به اجرای تمامی مراحل قاعده تأویل ندارد، بلکه انطباق آیه بر اکمل مصادیق است (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۶ / ۱۴۳) و تنها قاعده جری جاری می‌شود.

اکنون با توجه به قواعد یادشده، به بررسی موضوع می‌پردازیم.

آیات خطاب به همسران پیامبر ﷺ

در قرآن کریم آیاتی خطاب به همسران پیامبر ﷺ وجود دارد که بیشتر آن‌ها در سوره احزاب (آیات ۲۸-۳۴) آمده است.

محتوای این آیات را می‌توان در دو بخش دسته‌بندی کرد:

نخست: اوامر مربوط به تکالیف و احکام مشترک (که دیگران نیز همان تکالیف را دارند)؛ همچون اقامه نماز و پرداخت زکات. روشن است که این احکام به همسران پیامبر ﷺ اختصاص ندارد و از این رو، تأکیدی برای همه مسلمانان برانجام آن‌هاست. دوم: اوامر و احکام مختص به همسران پیامبر ﷺ (همچون مضاعف بودن ثواب و عقاب) یا دستوراتی که محتمل است مشترک باشد (از جمله نهی از خروج از منزل). موضوع بحث، بررسی موارد بخش دوم از نظر اثر و فایده آن‌ها برای عموم مخاطبان قرآن است.

تحلیل فایده‌مندی آن‌ها نیز از دو مسیر دنبال می‌شود: نخست الگوریتم^۱ قاعده «تأویل» و تبیین دستگاه تحلیلی آن بر این آیات. بدیهی است از «قاعده جری و تطبیق» در اینجا، به عنوان مرحله سوم پیش گفته برای قاعده تأویل استفاده می‌شود؛ یعنی تطبیق پیام کلی استخراج شده بر مصادیق عصری؛ چه، روشن است که تطبیق ظاهر آیات خاص به همسران پیامبر ﷺ بر مصادیقی غیر از مورد آیه بدون اجرای قاعده تأویل، شدنی نیست.

دوم کشف و تبیین مسائل چالشی مرتبط با زندگی پیامبر ﷺ و همسران حضرت که فراتر از بحث تاریخی، در عمق عقاید و باورهای جامعه دینی اثرگذار است و نپرداختن به آن در قرآن، زمینه تحریف و سوء استفاده‌های گسترده‌ای را فراهم می‌نمود. اکنون موارد مهم موضوع را با دو رویکرد یادشده پی می‌گیریم:

۱. الگوریتم: روشی گام به گام برای حل مسئله.

یک. مضاعف شدن ثواب و عقاب در صورت انجام کار نیک و بد

در برخی آیات به صراحت آمده است که در صورت انجام گناه آشکار توسط همسران پیامبر ﷺ، عذاب آنان در قیامت مضاعف می‌شود: ﴿يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ مَن يَأْتِ مِنْكُنَّ بِفَاحِشَةٍ مُّبِينَةٍ يُضَاعَفْ لَهَا الْعَذَابُ ضِعْفَيْنِ﴾ (احزاب/۳۰)، چنان‌که پاداش آنان نیز در صورت اطاعت از خدا و رسول ﷺ و انجام عمل صالح، مضاعف می‌گردد: ﴿وَمَنْ يُقْنُتْ مِنْكُنَّ لِلَّهِ وَرَسُولِهِ وَتَعْمَلْ صَالِحًا نُؤْتِهَا أَجْرَهَا مَرَّتَيْنِ﴾ (احزاب/۳۱) و آشکار است که این احکام، شامل همه افراد نمی‌شود.

بی تردید سودمندی این آیات برای عموم مردم، در گرو اجرای «قاعده تأویل» بر آن‌ها و طی مراحل آن است:

مرحله استخراج پیام کلی

استخراج پیام کلی بر این پرسش استوار است که سبب مضاعف شدن ثواب و عقاب رفتارهای همسران پیامبر ﷺ چیست؟ بررسی سیاق آیات، فضای نزول و نیز دیدگر آموزه‌های دینی، عوامل ذیل را پیش روی ما قرار می‌دهد:

عامل نخست: جنبه الگو بودن

بر اساس آیات همین سوره، شخص پیامبر ﷺ اسوه و الگوی رفتاری برای مسلمانان است: ﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ﴾ (احزاب / ۲۱). این امر خواه ناخواه الگو بودن خانواده حضرت را نیز در افکار عمومی پدیدار می‌سازد. طبیعی است که هرگاه یکی از همسران پیامبر ﷺ عمل نیکی انجام دهد، به سبب انتساب او به پیامبر ﷺ و خاندان نبوت، ضریب نفوذ و تأثیرگذاری بالایی نسبت به عمل نیک دیگر افراد در سطح جامعه خواهد داشت و افراد بیشتری را به تأسی و انجام عمل مشابه تشویق خواهد کرد، چنان‌که انجام گناهی آشکار نیز دیگران را جری می‌سازد و قبح و زشتی گناه را در چشم آنان فرو می‌کاهد. تعبیر «فَاحِشَةٌ مُّبِينَةٌ» در آیه از جمله شواهد عامل یادشده است؛ چه، «فاحشه» سخن یا رفتاری است که زشتی آن بزرگ باشد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶: ۶۲۶) و «مُبِينَةٌ» بر

«آشکار بودن» آن تأکید دارد.

از سوی دیگر، آیات و روایاتی که تعلیم دهنده نیکی و بدی را در ثواب و گناه عمل کننده سهیم می‌داند نیز شاهد دیگری بر عامل یاد شده است؛ چه، الگوهای عملی گاه نقش فزون تری از تعلیم دهندگان با زبان یا قلم دارند: ﴿لِيَحْمِلُوا أَوْزَارَهُمْ كَامِلَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَمِنْ أَوْزَارِ الَّذِينَ يُضِلُّونَهُمْ بِغَيْرِ عِلْمٍ﴾ (نحل / ۲۵)، «مَنْ عَلَّمَ بَابَ هَدَىٰ فَلَهُ مِثْلُ أَجْرِ مَنْ عَمِلَ بِهِ وَلَا يَنْقُصُ أَوْلَئِكَ مِنْ أَجْرِهِمْ شَيْئًا، وَمَنْ عَلَّمَ بَابَ ضَلَالٍ كَانَ عَلَيْهِ مِثْلُ أَوْزَارِ مَنْ عَمِلَ بِهِ وَلَا يَنْقُصُ أَوْلَئِكَ مِنْ أَوْزَارِهِمْ شَيْئًا» (حرانی، ۱۴۰۴: ۳۰۷؛ نیز بنگرید به: برقی، بی تا: ۲۷/۱).

براین اساس، مقصود از «يُضَاعَفُ» و «ضَعْفَيْنِ» در آیات مورد بحث، افزایش ثواب و عقاب می‌باشد که گاه دو برابر است و گاه بیشتر، درست همانند اعدادی که جنبه «تکثیر» دارد. راغب اصفهانی در مفهوم شناسی «ضعف» می‌گوید: «ضاعفته ضمنت إليه مثله فصاعداً» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶: ۵۰۸)؛ چه، اگر عمل نیک یا گناه آشکار همسران پیامبر ﷺ به سبب الگو بودن آنان، سنت حسنه یا سیئه‌ای در جامعه ایجاد کند، ثواب و عقاب گسترده‌ای را تا چندین برابر در پی خواهد داشت.

عامل دوم: بالا بودن آگاهی‌های دینی

از آموزه‌های دینی برمی‌آید کسانی که اهل علم و آگاهی‌های دینی هستند، مسئولیت سنگین تری در قبال اعمال خود دارند: «يَغْفِرُ لِلْجَاهِلِ سَبْعُونَ ذَنْبًا قَبْلَ أَنْ يَغْفِرَ لِلْعَالِمِ ذَنْبًا وَاحِدًا!» (کلینی، ۱۳۶۷: ۴۷/۱). مرحوم کلینی خود در این باره باری را گشوده است با عنوان: «لزوم الحجّة علی العالم وتشديد الأمر علیه». در نقطه مقابل نیز، عبادت‌های عالم به مراتب ارزشمندتر از عبادات غیر عالم تلقی شده است: «رکعتان یصلّیهما العالم أفضل من ألف رکعة یصلّیها العابد» (ابن ادریس، ۱۴۱۰: ۶۲۰؛ طبرسی، ۱۳۹۲: ۴۴۱).

آیه ﴿وَادْكُرْنَا مَا يُثَلِّیٰ فِی بُیُوتِكُمْ مِّنْ آیَاتِ اللّٰهِ وَ الْحِكْمَةِ﴾ (احزاب / ۳۴) را می‌توان از جمله شواهد عامل یاد شده تلقی کرد؛ همسران پیامبر ﷺ در کانون تلاوت «آیات خدا» و

«سخنان حکیمانه پیامبر ﷺ؛ یعنی سنت» (فخررازی، ۱۴۲۰: ۲۵ / ۱۶۸) هستند. بنابراین، علم و دانش آنان نسبت به مسائل دینی، مسئولیت سنگین در برابر ناشایست‌ها، و ارزشمندتر بودن اعمال نیک آنان را ایجاب می‌کند.

عامل سوم: انتساب به پیامبر ﷺ

جایگاه اجتماعی همسران پیامبر ﷺ و انتساب آنان به حضرت، عامل دیگری است که هم مسئولیت مضاعف آنان و هم پاداش فزون‌تر در برابر نیکی‌ها را به دنبال دارد؛ چنان‌که همین انتساب به پیامبر ﷺ باعث گردید افتخار «أُمُّ الْمُؤْمِنِينَ» بودن به آنان اعطا شود: ﴿النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ وَأَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ﴾ (احزاب / ۶).

براساس شأن نزول‌ها، همسران پیامبر ﷺ بعد از برخی از غزوه‌ها که غنائم سرشاری در اختیار مسلمانان قرار گرفت، درخواست‌های مختلفی از پیامبر ﷺ در مورد افزایش نفقه یا خرید لوازم زندگی داشتند. پیامبر ﷺ که خرید آن‌ها را به صلاح «بیت نبوت» نمی‌دانست، از انجام این خواسته‌ها سرباز زد و یک ماه از آنان کناره‌گیری نمود تا اینکه آیات ۲۷ به بعد سوره احزاب نازل شد و به آنان هشدار داد (بنگرید به: طبری، ۱۴۱۲: ۲۱ / ۹۹؛ طبرسی، ۱۴۰۶: ۸ / ۵۵۵). نیک روشن است که پیامبر ﷺ و خانواده آن حضرت در آن شرایط نسبتاً دشوار اقتصادی بایستی خود را در سطح قشرهای ضعیف جامعه قرار می‌دادند.

در مورد رفتارهای دیگر نیز، آبرو و حیثیت خانواده پیامبر ﷺ به نوعی به خود حضرت برمی‌گردد و همین نیز مسئولیت مضاعف آنان را در پی دارد. تکرار «نِسَاءَ النَّبِيِّ» و تأکید بر همسری پیامبر ﷺ نیز می‌تواند عنصر انتساب به پیامبر را تقویت کند. بنابراین، مضاعف بون ثواب و عقاب رفتارها برای همسران پیامبر ﷺ، ممکن است به سبب برخی از عوامل یادشده یا مجموعه آن‌ها باشد؛ چنان‌که آیه ﴿يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ﴾ (احزاب / ۳۲) نیز ممکن است ناظر به عوامل یادشده باشد.

مرحله تطبیق بر مصادیق

اکنون با توجه به عوامل اثرگذار در مضاعف شدن ثواب و عقاب رفتارهای همسران پیامبر ﷺ که یاد شد، می‌توان آن را بر دیگر مصادیق تطبیق کرد؛ براساس عامل نخست (نقش الگویی)، همه افرادی که به گونه‌ای الگوی دیگران به شمار می‌روند و رفتارهای آنان موجب تکثیر نیکی‌ها یا بدی‌ها در جامعه می‌شود، - «گروه‌های مرجع»- مشمول حکم یاد شده در آیات می‌باشند؛ افراد مشهور و بانفوذ عرصه فرهنگ و سیاست و اجتماع، همچون عالمان، معلمان، سیاستمداران مشهور و ستارگان عرصه ورزش و هنر و سینما از آن جمله‌اند.

براساس عامل دوم (علم دینی) افراد برخوردار از اطلاعات مذهبی، همچون عالمان دینی و کسانی که به سبب تربیت محیطی و خانوادگی از سطح معلومات دینی بیش از دیگران بهره‌مندند، مشمول مضاعف شدن ثواب و عقاب اعمال می‌باشند.

براساس عامل سوم (انتساب به پیامبر ﷺ) نیز می‌توان برداشت کرد کسانی که به خاندان نبوت انتساب دارند یا به شکلی به جریان‌ها و افراد مورد اعتماد و احترام دینمداران منتسب هستند، مسئولیت مضاعفی در برابر کارهای خود دارند. از این رو امام صادق علیه السلام به یکی از یارانش فرمود: «إِنَّ الْحَسَنَ مِنْ كُلِّ أَحَدٍ حَسَنٌ وَإِنَّهُ مِنْكَ أَحْسَنُ لِمَكَانِكَ مِنَّا، وَإِنَّ الْقَبِيحَ مِنْ كُلِّ أَحَدٍ قَبِيحٌ وَإِنَّهُ مِنْكَ أَقْبَحُ» (ابن شهر آشوب، بی تا: ۳/۳۶۲).

روایت ذیل نیز به روشنی گویای صحت تطبیق آیات مورد بحث بر دیگر مصادیق است:

شخصی به امام سجاد علیه السلام عرض کرد: «انکم أهل بیت مغفور لکم». امام علیه السلام خشمگین شد و فرمود: «نحن أحرى أن يعجز فينا ما أجرى الله في أزواج النبي صلى الله عليه وآله من أن نكون كما تقول، إنا نرى لمحسنا ضعفين من الأجر و لمسيئنا ضعفين من العذاب، ثم قرأ الآيتين» (طبرسی، ۱۴۰۶: ۱۵۳/۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۴۵/۲۲).

دو. دستور به ماندن در خانه و نهی از تبرج

در بخشی از آیات مورد بحث، عبارت «وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى» (احزاب/ ۳۳) آمده است که حاوی دو نکته است؛ نخست دستور به ماندن در خانه، و دوم نهی از تبرج به سبک عصر جاهلیت. نکته دوم بی تردید حکمی عام برای همه زنان است (بنگرید به: جصاص، ۱۴۱۵: ۵/۲۲۹-۲۳۰؛ صادقی تهرانی، ۱۳۶۵: ۲۴/ ۱۱۰؛ مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۳: ۱۷/ ۲۹۱) و عبارت «غَيْرَ مُتَّبِعَاتٍ بِرِيبَةٍ» در آیه ۶۰ سوره نور دلیل روشن این تعمیم.

اما در مورد نهی از خروج از منزل، برخی آن را به همه زنان تعمیم داده‌اند (قرطبی، ۱۴۰۵: ۱۴/ ۱۷۹) و برخی بر اختصاص آن به زنان پیامبر تأکید کرده‌اند. استاد مطهری در این باره می‌گوید: «می‌دانیم که در قرآن کریم درباره زنان پیغمبر دستوره‌های خاصی وارد شده است. اسلام عنایت خاصی داشته است که زنان پیغمبر، چه در زمان حیات آن حضرت و چه بعد از وفات ایشان، در خانه‌های خود بمانند، و در این جهت بیشتر منظوره‌های اجتماعی و سیاسی در کار بوده است. قرآن کریم صریحاً به زنان پیغمبر می‌گوید: «وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ» اسلام می‌خواسته است «أُمَّهَاتِ الْمُؤْمِنِينَ» که خواه احترام زیادی در میان مسلمانان داشتند از احترام خود سوء استفاده نکنند، و احیاناً ابزار عناصر خودخواه و ماجراجو در مسائل سیاسی و اجتماعی واقع نشوند، و چنان که می‌دانیم یکی از امتهات المؤمنین (عایشه) که از این دستور تخلف کرد، ماجراهای سیاسی ناگواری برای جهان اسلام به وجود آورد. ... سراینکه زنان پیغمبر ممنوع شدند از اینکه بعد از آن حضرت با شخص دیگری ازدواج کنند، به نظر من همین است...» (مطهری، ۱۳۷۴: ۸۰).

قرطبی نیز نقل کرده است که عایشه هرگاه این آیه را قرائت می‌کرد، چنان اشک می‌ریخت که روسری اش خیس می‌شد (قرطبی، ۱۴۰۵: ۱۴/ ۱۸۰). او در همان حال - به نقل از ابن العربی - عملکرد عایشه را چنین توجیه می‌کند که به قصد اصلاح بین مسلمانان بوده و از این رو، در اجتهاد خود مأجور است!

با این حال، استاد مطهری در جای دیگر ابراز می‌دارد: «مقصود از این دستور، زندانی کردن زنان پیغمبر در خانه نیست؛ زیرا تاریخ اسلام به صراحت گواه است که پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ زنان خود را با خود به سفر می‌برد و آنان را از بیرون شدن از خانه منع نمی‌فرمود. مقصود از این دستور آن است که زن به منظور خودنمایی از خانه بیرون نشود و مخصوصاً در مورد زنان پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ این وظیفه سنگین‌تر و مؤکدتر است» (مطهری، ۱۳۷۴: ۱۷۰). توجه به دستورات قبل و بعد این نهی (یعنی: نهی از خضوع در قول و نهی از تبرج) که تعمیم دارند، شاهد بر عمومی بودن نهی از خروج از منزل است، لیک با توجه به سیره پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و مسلمانان که استاد مطهری نیز بدان اشارتی کرده است، می‌توان گفت مقصود آیه، نهی از «خروج از منزل همراه با تبرج» است نه مطلق خروج از منزل؛ یعنی دستور به ماندن در خانه، در مقابل «خروج توأم با تبرج» است نه «مطلق خروج». بنابراین، آیه به همسران پیامبر اختصاص ندارد. ضمن آنکه در صورت اختصاص نیز روشن است که فایده این دستور مربوط به عموم جامعه اسلامی بوده است.

سه. لزوم درخواست از پس پرده

در «آیه حجاب» آمده است: «وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَسَأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ» (احزاب / ۵۳). هر چند از آیه برداشت‌های گوناگونی شده است؛ از جمله: «لزوم چهره پوشاندن و در حجاب شدن» و آنگاه این دستور به تمامی زنان تسری داده شده است (جصاص، ۱۴۱۵: ۵/ ۲۴۲؛ قرطبی، ۱۴۰۵: ۱۴/ ۲۲۷)، لیک دقت در آیه - آن سان که برخی از محققان نیز به درستی برداشت کرده‌اند - نشان می‌دهد که دستور مطرح شده ویژه همسران پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است تا جلوسوء استفاده عناصر فاسد و ماجراجو در مسائل سیاسی و اجتماعی را بگیرد (مطهری، ۱۳۷۴: ۸۰-۸۱)؛ چه، همسران پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به دلیل جایگاه خاص و نیز وجود دشمنان فراوان و عیب‌جویان مغرض، در معرض تهمت قرار داشتند (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۳: ۱۷/ ۴۰۳) و توطئه منافقان در ماجرای «افک» (بنگرید به: نور / ۱۱-۲۰) برای ضربه زدن به رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از طریق همسر حضرت (بنگرید به:

واحدی نیشابوری، ۱۴۱۱: ۳۲۹-۳۳۲؛ طبرسی، ۱۴۰۶: ۷/۲۰۴-۲۰۶) نیز نمونه عینی آن است. این درجه از حساسیت ایجاب می‌کرد دستوراتی همچون فرمان بالا صادر گردد. سیاق جمله‌های آیه نیز این برداشت را تأیید می‌کند؛ چرا که در صدر آیه «بیوت النبی» مطرح شده و پس از این دستور نیز ممنوعیت ازدواج با همسران پیامبر ﷺ پس از رحلت حضرت آمده است که بی‌تردید از مختصات آنان است.

براین اساس، دستور یادشده اگر چه ویژه همسران پیامبر ﷺ است، به هدف پیشگیری از حوادثی بوده است که مرتبط با همه مسلمانان و نیز شخص پیامبر به عنوان رهبر و حاکم اسلامی است؛ حوادثی که رخداد بخشی از آن‌ها در عصر پس از رحلت پیامبر (از جمله جنگ جمل)، نتایج تلخی را رقم زد و حتی در تغییر سرنوشت جامعه اسلامی تأثیر گذاشت.

چهار. تخیر همسران پیامبر ﷺ میان ماندن و رفتن و دیگر احکام مربوط به آنان

در صدر آیات مورد بحث در سوره احزاب، همسران پیامبر ﷺ میان ماندن در کنار پیامبر با تحمل ساده‌زیستی و رفتن و جدا شدن از حضرت مخیر شده‌اند: ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأَزْوَاجِكُمْ إِن كُنْتُمْ تُرِيدُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا فَتَعَالَيْنَ أُمَتِّعَنَّكُمْ وَأُسْرِحَنَّ سَرَا حًا جَمِيلًا ۖ وَإِن كُنْتُمْ تُرِيدُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالدَّارَ الْآخِرَةَ فَإِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ لِلْمُحْسِنَاتِ مِنكُنَّ أَجْرًا عَظِيمًا﴾ (احزاب / ۲۸-۲۹)

چرا این گونه مسائل و موارد مشابه آن که به ظاهر جنبه خصوصی دارند در قرآن کریم آمده است؟ پاسخ را می‌توان در مطلبی مهم نهفته دانست؛ «وجود دستورات خاص الهی در همسرگزینی پیامبر ﷺ؛ از نظر تعداد و نیز مسائل و احکام آن، به رغم مشکلات متعدد همسران حضرت».

توضیح اینکه رسول گرامی اسلام ﷺ به گزارش تاریخ و سیره، پس از وفات حضرت خدیجه رضی الله عنها با زنان متعددی ازدواج کرد و این موضوع، بهانه‌ای به دست مخالفان و دشمنان اسلام داده است تا آن حضرت را آماج اتهامات ناروا قرار دهند. این در حالی

است که به شهادت تاریخ، ازدواج‌های متعدد حضرت نمی‌تواند انگیزه‌های فردی و لذت‌جویانه داشته باشد؛ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در ۲۵ سالگی با حضرت خدیجه ازدواج کرد و در اوج دوران جوانی و شدت و حدت شهوت، و به‌رغم فقدان موانع اجتماعی و فرهنگی برای تعدد همسر در آن دوران، تا پنجاه سالگی به یک همسر بسنده کرد و حتی پس از وفات حضرت خدیجه در این سن، دست‌کم تا یک سال بعد همسری در اختیار نداشت.^۱ سپس از این دوره به بعد و به تدریج، همسرانی اختیار کرد، به گونه‌ای که تعدد همسران پیامبر به دوران کهولت آن حضرت مربوط می‌شود. ضمن آنکه در طرف مقابل، زنانی که حضرت با آنان ازدواج کرد نیز به جز یک نفر، همگی بیوه‌زن بوده، برخی دارای فرزندان چند از شوهر یا شوهران قبلی و سن و سال بالا و سرشار از مشکلات اقتصادی و حتی اخلاقی بودند و غالباً فاقد کمالاتی همچون زیبایی و ثروت که در آن روزگار اهمیت فراوانی داشت (بنگرید به: مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۲/۱۹۱-۱۹۲؛ عاملی، ۱۴۱۵: ۲۵۳-۲۵۵).

رسول خدا صلی الله علیه و آله پیش از آن بارها پیشنهادها و سوسه‌انگیز قریش را برای ازدواج با دختران زیبا روی، رد کرده بود و ازدواج‌های مکرر حضرت در سال‌های پایانی عمر، به صورتی هدفمند و هریک با انگیزه‌ای مقدس به وقوع پیوسته است که در جای خود به تفصیل بیان شده است (بنگرید به: معرفت، ۱۴۲۳: ۱۶۷-۱۷۴؛ عاملی، ۱۴۱۵: ۵، ۲۵۵-۲۵۹).

ذکر برخی از مسائل مربوط به همسران پیامبر صلی الله علیه و آله در قرآن نیز، برای تبیین واقعیت ماجرا و پاسخ به چنین اتهاماتی است که فایده آن در راستای مصالح کلیت جامعه اسلامی است.

در حقیقت آیات متعدد پیرامون همسران پیامبر صلی الله علیه و آله و از جمله آیات یادشده، به طور

۱. طبق نقل، رسول خدا صلی الله علیه و آله یک سال پس از رحلت خدیجه، سوده را به همسری برگزید. وی که بیش از پنجاه سال داشت، پیش‌تر با شوهرش به حبشه هجرت کرده بودند و در آنجا شوهرش مسیحی شده و سپس از دنیا رفته بود (بنگرید به: مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۲/۱۹۱).

کلی دو پیام را به مخاطب القا می‌کند:

پیام نخست آنکه همسران پیامبر ﷺ غالباً گرفتار مشکلات اخلاقی و رفتاری متعددی بودند و از این رو، حضرت را آزار می‌دادند. فشار بر پیامبر برای افزایش مخارج زندگی در کنار رفتارهای ناپسند ناشی از حسادت‌های زنانه (بنگرید به: طبرسی، ۱۴۰۶: ۱۵۱/۸) که به نزول آیات پیش‌گفته و مخیر کردن آنان میان رفتن و ماندن انجامید، نمونه‌ای از آن بود. همچنین توطئه برخی از آنان بر ضد پیامبر ﷺ، افشای اسرار و سوء استفاده از اخلاق کریمانه آن بزرگوار که به نزول آیات پنج‌گانه نخست سوره تحریم منتهی گردید و ضمن انتقاد از آنان با لحنی تند، آن‌ها را به طلاق تهدید فرمود، نمونه دیگر آن است: ﴿إِنْ تَتُوبَا إِلَى اللَّهِ فَقَدْ صَغَتْ قُلُوبُكُمَا وَإِنْ تَظَاهَرَا عَلَيْهِ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ مَوْلَاهُ وَجِبْرِيلُ وَصَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمَلَائِكَةَ بَعْدَ ذَلِكَ ظَهِيرٌ * عَسَى رَبُّهُ إِنْ طَلَقَنَّ أَنْ يُبْدِلَهُ أَزْوَاجًا خَيْرًا مِنْكُنَّ...﴾ (تحریم ۴-۵).

تعبیرهایی تند همچون: «فَقَدْ صَغَتْ قُلُوبُكُمَا»، «وَإِنْ تَظَاهَرَا عَلَيْهِ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ مَوْلَاهُ» و نیز «إِنْ طَلَقَنَّ أَنْ يُبْدِلَهُ أَزْوَاجًا خَيْرًا مِنْكُنَّ» خود به روشنی گویای مطلب است.

در شأن نزول‌ها نیز گوشه‌ای از مشکلات یادشده منعکس شده است؛ از جمله، طبق نقل مرحوم طبرسی از ابن عباس، روزی پیامبر ﷺ با حفصه نشستند که مشاجره‌ای درگرفت. پیامبر ﷺ فرمود: «می‌خواهی کسی را بیاورم که میان من و توقضات کند؟» وی گفت: بله. حضرت به دنبال عمر (پدر حفصه) فرستاد. وقتی او آمد، پیامبر ﷺ به حفصه رو کرد و فرمود: «سخن بگو». حفصه گفت: ای رسول خدا، تو حرف بزنی، ولی جز حقیقت چیزی نگوئی! عمر که از شنیدن این سخن حفصه سخت عصبانی شده بود سیلی محکمی بر صورت وی نواخت، سپس دست بالا برد و سیلی دیگری. پیامبر فرمود: «بس کن!» عمر رو به دخترش گفت: ای دشمن خدا، پیامبر جز حقیقت چیزی نگوید؟! به خدایی که او را به حق فرستاد سوگند اگر در حضور او نبود آن قدر تو را می‌زدم تا بمیری! رسول گرامی ﷺ از جای برخاست و به اتاق دیگری رفت و مدتی از همه همسرانش کناره‌گیری کرد، تا اینکه آیات سوره احزاب نازل گردید (طبرسی، ۱۴۰۶: ۱۵۱/۸).

این حقایق به روشنی نشان می دهد که در ازدواج های رسول خدا ﷺ، به هیچ روی شائبه نفسانی وجود نداشته و آن حضرت، برای نیل به اهدافی مقدس، به ازدواج های هدفمندی در اواخر عمر شریف خود دست زده و بعد از آن نیز بر سوء رفتار همسران شکیبایی فرموده است، در حالی که این امکان برای حضرت فراهم بود تا با زنانی باکمال، مطیع و خوش اخلاق ازدواج کند، آن سان که در آیه ۵ سوره تحریم تصریح شده است. طبیعی است بخش هایی از این حقایق بایستی در قرآن منعکس می شد تا ساحت پاک و ملکوتی آن بزرگوار را در پهنه تاریخ از اتهامات دور دارد.

پیام دوم آنکه تعدد ازدواج های حضرت، توقف ازدواج ها و نیز احکام آن ها همگی به دستور خدا بوده است. آیات متعددی از سوره احزاب به روشنی نشان می دهد که پیامبر ﷺ در این امور از خداوند دستور گرفته است و دست کم برای باورمندان به وحیانی بودن قرآن، هرگونه شائبه نفسانی بودن ازدواج های پیامبر ﷺ را منتفی می سازد؛ شائبه ای که متأسفانه رگه هایی از آن در برخی از اظهار نظرهای نااستوار شماری از مفسران نیز مشاهده می شود! (بنگرید به: طبری، ۱۴۱۲: ۲۲ / ۱۰).

برای نمونه، در آیات ۳۷ تا ۳۹ احزاب، نکاتی مربوط به ازدواج پیامبر ﷺ با «زینب» بیان شده است. پیش تر رسول خدا ﷺ وی را برای «زید» که غلام آزاد شده و پسرخوانده حضرت بود خواستگاری کرده و زینب نیز که از خاندانی با موقعیت اجتماعی بالا بود به احترام پیامبر جواب مثبت داده بود، ولی آنان پس از مدتی به سبب ناسازگاری و به رغم توصیه های متعدد حضرت، تصمیم به جدایی گرفتند. ظاهر آیات نیز که مخاطب هشدارهای پیامبر، شخص زید می باشد. نشان می دهد که ناسازگاری بیشتر از سوی زید بوده است: ﴿وَإِذْ تَقُولُ لِلَّذِي أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَأَنْعَمْتُ عَلَيْهِ أَمْسِكْ عَلَيْكَ زَوْجَكَ وَاتَّقِ اللَّهَ﴾ (احزاب / ۳۷). پس از جدایی آن دو، رسول خدا ﷺ دستور یافت با زینب ازدواج کند. عبارت قرآنی «زَوْجِنَا كَهَا» نشان می دهد که این ازدواج به فرمان خداوند بوده است و بر همین نکته نیز زینب افتخار می کرد (طبرسی، ۱۴۰۶: ۱۶۴ / ۸). دلیل این ازدواج نیز دو چیز بوده است: نخست درهم شکستن سنت جاهلی مبنی بر ناروا دانستن ازدواج با همسر

مطلقه پسرخوانده: ﴿لَكِنِّي لَا يَكُونُ عَلَيَّ الْمُؤْمِنِينَ حَرْجٌ فِي أَزْوَاجٍ أَدْعِيَانِهِمْ إِذَا قَضَوْا مِنْهُنَّ وَطَرًا﴾ (احزاب / ۳۷)، و این، همان موضوعی بود که پیامبر را پیش از اقدام به ازدواج نگران کرده بود؛ نگرانی از ایجاد نفرت عمومی و جبهه گرفتن مردم برای دفاع از سنت‌های جاهلی، و بدین جهت آن را پنهان می‌داشت: ﴿وَتُخْفِي فِي نَفْسِكَ مَا اللَّهُ مُبْدِيهِ وَتَخْشَى النَّاسَ وَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَاهُ﴾ (همان‌جا).^۱ دلیل دوم، ترمیم روحیه و جایگاه اجتماعی تخریب شده زینب که با وساطت پیامبر ﷺ تن به ازدواج با زید داده بود و اکنون به زن مطلقه غلامی آزاد شده، تبدیل گردیده است (طبرسی، ۱۴۰۶: ۱۶۳/۸).

نمونه دیگر، آیه ۵۰ احزاب است که به روشنی نشان می‌دهد زنانی که پیامبر ﷺ می‌توانست با آنان ازدواج کند و شرایط آنان، همگی از سوی خداوند تعیین شده و پیامبر ﷺ در چهارچوب آن عمل می‌کرده است. حتی اگر زنی تمایل داشت بدون مهریه با حضرت ازدواج کند، تجویز آن نیز به اذن خاص الهی بوده است: ﴿وَامْرَأَةٌ مُؤْمِنَةٌ إِنْ وَهَبَتْ نَفْسَهَا لِلنَّبِيِّ﴾ (احزاب / ۵۰). با این حال، در اینکه آیا این حکم کلی در مورد پیامبر ﷺ مصداقی پیدا کرده یا نه، در میان مفسران گفتگوست؛ بعضی همچون ابن عباس معتقدند که رسول خدا ﷺ با هیچ زنی به این کیفیت ازدواج نکرد، ولی برخی دیگر یک نفر یا سه یا چهار زن از همسران پیامبر ﷺ را نام برده‌اند که بدون مهریه ازدواج آن حضرت در آمدند. به هر روی، وجود چنین مصداقی برای حکم یادشده از نظر تاریخی مسلم

۱. نسبت‌های ناروا مبنی بر تمایل پیامبر به ازدواج با زینب و پنهان کردن آن (بنگرید به: طبری، ۱۴۱۲: ۲۲/۱۰)، فاقد هرگونه شاهد و دلیل، ناسازگار با تعلیل یادشده در آیات بالا، و ناسازگار با تاریخ و سیره پیامبر ﷺ است؛ چه، اصولاً زینب دختر عمه پیامبر بود و فردی ناشناس نبود که حضرت پیش از ازدواج با زید او را ندیده باشد! ضمن آنکه اگر پیامبر چنین تمایلی داشت، پیش از ازدواج زینب با زید نیز می‌توانست وی را به عقد خود درآورد؛ موضوعی که بعدها خانواده زینب نیز تمایل خود را به آن نشان دادند و حتی ابراز کردند که خواستگاری پیامبر از زینب برای زید را ابتدا خواستگاری برای خود حضرت تصور نموده و از این رو بسیار خوشحال شده بودند (بنگرید به: طبرسی، ۱۴۰۶: ۵۶۳/۸).

نیست. آنچه قطعی است اینکه خداوند چنین اجازه‌ای را به پیامبر ﷺ داده بود (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۳: ۳۷۹-۳۸۰) که علت و فلسفه آن نیز بیان شده است: ﴿قَدْ عَلِمْنَا مَا فَرَضْنَا عَلَيْهِمْ فِي أَزْوَاجِهِمْ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ لِكَيْلَا يَكُونَ عَلَيْكَ حَرَجٌ﴾ (احزاب / ۵۰). اشارت این جمله به این است که رسول خدا ﷺ شرایطی دارد که دیگران ندارند و همین امر، سبب تفاوت در احکام شده است. به دیگر سخن، هدف این بوده که قسمتی از محدودیت‌ها و مشکلات از دوش حضرت برداشته شود، و این خود نشان می‌دهد ازدواج پیامبر ﷺ با زنان متعدد و گاه با احکام متفاوت، به دستور الهی و برای حل مجموعه‌ای از مشکلات اجتماعی و سیاسی در زندگی او بوده است؛ چه، ایجاد رابطه خویشاوندی از طریق ازدواج با قبائل مختلف می‌توانست برای شکستن اتحاد نامقدس دشمنان مؤثر باشد. به همین سبب نیز در برخی ازدواج‌های پیامبر ﷺ جز مراسم عقد انجام نشد و حتی در مواردی تنها به خواستگاری بعضی از زنان قبائل قناعت کرد (بنگرید به: مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۲/۱۹۲-۱۹۳).

آیه دیگری که مسائل خانوادگی پیامبر ﷺ را مطرح کرده آیه ۵۱ احزاب است: ﴿تُرْجَىٰ مَنْ تَشَاءُ مِنْهُمْ وَتُؤْوَىٰ إِلَيْكَ مَنْ تَشَاءُ وَمَنِ ابْتَغَيْتَ مِمَّنْ عَزَلْتَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكَ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَلَّا تَفْرَأَ عَيْنَهُمْ وَلَا يَحِزْنَ وَيَرْضَيْنَ بِمَا آتَيْتَهُنَّ كُلَّهُنَّ﴾. براساس شأن نزول، در چگونگی تقسیم اوقات زندگی پیامبر ﷺ در میان همسران حضرت رقابت‌هایی وجود داشت که حضرت را با آن همه گرفتاری و اشتغالات مهم در مضیقه قرار می‌داد. آیه مزبور نازل شد و پیامبر را در تقسیم اوقاتش در میان آن‌ها کاملاً آزاد گذاشت (بنگرید به: واحدی نیشابوری، ۱۴۱۱: ۳۷۱؛ مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۳: ۱۷/۳۸۴-۳۸۵). این نیز نمونه دیگری از تبعیت رسول خدا ﷺ از فرمان‌های الهی در مسائل جزئی مربوط به همسران خود می‌باشد.

آیه‌ای دیگر، با صراحتی هر چه تمام‌تر اعلام می‌کند که توقف ازدواج‌های پیامبر ﷺ نیز به دستور مستقیم خداوند بوده است: ﴿لَا يَحِلُّ لَكَ النِّسَاءُ مِنْ بَعْدُ وَلَا أَنْ تَبَدَّلَ بِهِنَّ مِنْ أَزْوَاجٍ وَلَوْ أَعْجَبَكَ حُسْنُهُنَّ﴾ (احزاب / ۵۲). بدیهی است فلسفه توقف ازدواج‌ها با فلسفه انجام ازدواج‌های متعدد از سوی حضرت ارتباطی کامل دارد؛ اگر ازدواج‌های متعدد

حضرت بنابر مصالح اجتماعی و سیاسی، پیشبرد اهداف مقدس دینی، و درهم شکستن سنت های جاهلی (که البته توأم با رضایت و افتخار همسران از همسری پیامبر) بوده است، طبعاً توقف ازدواج ها نیز به سبب نیل به اهداف یادشده و از بین رفتن اقتضائات آن هاست. به ویژه آنکه از این زمان به بعد (یعنی پس از غزوه احزاب و خندق) دوران قدرت گرفتن حکومت اسلامی و مسلمانان از لحاظ سیاسی و اقتصادی، در حال فرارسیدن است و چه بسا ازدواج های جدید، به سبب گرفتاری هایی که در پی دارد، مشکلاتی مضاعف ایجاد کرده، در مسیر دعوت و تبلیغ دین، اخلال ایجاد نماید.^۱

۱. یادکردنی است مفسران عبارت «وَلَوْ أَعْجَبَكَ حُسْنُهُنَّ» در آیه را عموماً به «جمال» و زیبایی معنا کرده اند که در این صورت، نشان می دهد زیبایی یک زن نباید ملاک ازدواج پیامبر را وی قرار گیرد. با این حال، ممکن است «حُسن» در اینجا مفهومی گسترده تر از جمال و زیبایی ظاهری داشته باشد؛ چه، از یک سو در بیشتر روایات بحث ازدواج، از زیبایی ظاهری زن به «جمال» تعبیر شده نه «حُسن». برای نمونه، از رسول خدا ﷺ نقل شده است: «من تزوج امرأة لا يتزوجها إلا لجمالها لم يرفيها ما يحب» (طوسی، ۱۳۶۵: ۷/۳۹۹). از سوی دیگر در همین روایات تأکید شده است که عموم مردم نباید زیبایی زن را تنها ملاک ازدواج قرار دهند، و روشن است که شخصیت والای اخلاقی و معنوی پیامبر در آن اوج کمال گرایی، زمینه این کار را ندارد تا نیاز به نهی باشد! و از سوی سوم، بی هیچ تردیدی، پیامبر گرامی به زنی نامحرم نگاه نمی کرده است تا از زیبایی او خوشش آید! (مگر آنکه مقصود، نگاه کردن هنگام تصمیم بر ازدواج با یک زن در حد شرعی آن باشد). بر این اساس، ممکن است مقصود از «حُسن» در اینجا، مجموعه صفات کمال زن (شامل اعتقادات راسخ و صحیح، اخلاق فاضله، عقل و درایت در کنار سلامت و آراستگی ظاهر) باشد، به ویژه آنکه بسیاری از همسران آن بزرگوار از بسیاری از این کمالات بی بهره بودند، آن سان که از آیه ۵ سوره تحریم به دست می آید: «عَسَىٰ رَبُّهُ إِنْ طَلَّقَنَّ أَنْ يُدْلَهُ أَزْوَاجًا خَيْرًا مِّنْكَنَّ مُسْلِمَاتٍ مُّؤْمِنَاتٍ قَانِتَاتٍ تَائِبَاتٍ عَابِدَاتٍ سَائِحَاتٍ ثَيِّبَاتٍ وَأَبْكَارًا». از این رو پیامبر ﷺ مأمور می شود برای نیل به اهداف مقدس خود، با مشکلات اخلاقی و رفتاری همسران خود بسازد و از ازدواج با زنانی دارای کمال و فضیلت چشم پوشی کند. در برخی از روایات منقول از پیامبر ﷺ نیز، «حُسن» زن به مسئله دین داری او تعمیم یافته و حتی اولویت داده شده است: «لا یختار حسن وجه المرأة علی حسن دینها» (متقی هندی، بی تا: ۳۰۱/۱۶).

همسران موجود نیز به سبب آنکه پس از تخییر میان رفتن و ماندن، با افتخار، ماندن را برگزیدند، نباید جایگزین شوند.

آیه ۵۳ احزاب نیز اگر چه درباره آداب مهمانی و میزبانی در بیوت پیامبر ﷺ است، بی هیچ تردیدی آداب و پیام های اخلاقی آن عموم مسلمانان را در بر می گیرد؛ چنان که آیه ۵۹ سوره احزاب نیز خطاب به تمام زنان مسلمان در کنار همسران و دختران حضرت است که بروحیت احکام فقهی همسران پیامبر ﷺ با دیگر زنان دلالت دارد و خود، گواهی بر شمول آیات پیش گفته درباره عفاف و حجاب همسران پیامبر نسبت به دیگران می باشد.

آیه «مَا كَانَ عَلَى النَّبِيِّ مِنْ حَرَجٍ فِيمَا فَرَضَ اللَّهُ لَهُ» (احزاب / ۳۸) نیز شاهدی بر این مدعاست که این گونه ازدواج های حضرت، نه از سرلذت جویی، که توأم با سختی و فشار روحی در انجام دستورات الهی بوده است؛ چه، «حرج» گاه به معنای «ضیق الصدر»، یعنی فشار روحی و احساس دشواری آمده است (ابن منظور، ۱۴۰۵: ۲/۲۳۳) که گویا در آیه مد نظر است.

روشن است که ذکر این وقایع در قرآن کریم، دیگر نمی تواند تنها جنبه خصوصی داشته، مسائل شخصی پیامبر ﷺ تلقی شود، بلکه افزون بر پیام های اجتماعی و تبیین معارف در قالب ذکر ماجراهای عصر نزول، نقش تعیین کننده ای در دفاع از حیثیت و جایگاه والای رسول گرامی خدا ﷺ دارد.

پیام های اعتقادی، اخلاقی و تربیتی در حاشیه رویدادهای مربوط به همسران

پیامبر ﷺ

افزون بر دو پیام کلی یاد شده، نکات قابل توجه دیگری نیز در این آیات مشاهده می شود که برای همگان مفید و درس آموز است:

پیام در عرصه اعتقادی

از آنجا که آیه تطهیر بر اساس روایات متواتر (طبری، ۱۴۱۲: ۲۲ / ۵-۷؛ طباطبایی،

۱۴۱۷: ۱۶ / ۳۱۱)، تنها شامل پنج نفر (پیامبر ﷺ، حضرت علی علیه السلام، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام) می‌شود، بازگو کردن بعضی از رفتارهای ناشایست برخی از همسران پیامبر ﷺ و انتقاد از آنان، دلیل قرآنی محکمی بر این حقیقت است که آیه تظهير، همسران پیامبر را شامل نمی‌شود. در این پیام، آیات آغازین سوره تحریم نیز که درباره همسران حضرت است، شریک می‌باشد.

نفی کرامت‌های خارج از عملکرد فرد

پیام مهم دیگر آیات آن است که همسر پیامبر بودن به خودی خود، کرامتی نزد خدا به شمار نمی‌رود، بلکه کرامت، مرهون تقوا و احسان است، به همین سبب، فرازمندی و بلندی منزلت آنان را به رعایت تقوا مقید می‌کند: «يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنَّ اتَّقِيْتُنَّ» (احزاب / ۳۲). بنابراین، مفهوم «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاهُمْ» (حجرات / ۱۳) به اطلاق خود باقی می‌ماند و نه تنها برخوردار از جایگاه نسبی و سببی آن را نقض نمی‌کند (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۶ / ۳۰۶) که دارا بودن مناصب بالای معنوی و نیز انتساب به افراد صاحب جایگاه فرازمنند، مسئولیت مضاعفی ایجاد می‌کند.

تأثیر نداشتن روابط سببی و نسبی در حسابرسی قیامت

پیام دیگر آیات، تأثیر نداشتن روابط سببی و نسبی در حسابرسی قیامت و عقاب بر رفتارهای ناپسند است، به گونه‌ای که عذاب همسران پیامبر در صورت ارتکاب گناه، برای خداوند دشوار نیست: «وَ كَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا» (احزاب / ۳۰). آیه «فَإِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ فَلَا أَنْسَابَ بَيْنَهُمْ يَوْمَئِذٍ» (مؤمنون / ۱۰۱) نیز مؤید این مطلب است. بر این اساس، گرچه در حدیثی از پیامبر ﷺ نقل شده که فرمود: «كُلَّ حَسَبٍ وَ نَسَبٍ مَنقَطَعِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَّا حَسَبِي وَ نَسَبِي» (طبرسی، ۱۴۰۶: ۲۱۱ / ۷؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۱۵ / ۵؛ با عبارت: کُلَّ سَبَبٍ وَ نَسَبٍ)، ظاهر آیه یادشده عمومیت دارد و از قطع همه نسب‌ها در قیامت خبر می‌دهد و اصولی که از قرآن کریم و نیز از چگونگی رفتار پیامبر با منحرفان بی‌ایمان برمی‌آید، این است که تفاوتی میان انسان‌ها از این نظر نیست (بنگرید به: طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۵ / ۷۵-).

(۷۶). از این رو، در حدیثی از امام سجاد علیه السلام آمده است: «خلق الله الجتة لمن أطاعه و أحسن ولو كان عبداً حبشياً، و خلق النار لمن عصاه و لو كان ولدًا قرشياً» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۸۲/۴۶).

رعایت اخلاق در جدایی و طلاق همسر

عبارت قرآنی «أُمَّتِعْكَ وَ أَسْرِحْكَ سَرَا حَمِيلاً» (احزاب / ۲۸) هر چند به نظر برخی از مفسران، بیانگر احکام شخصی ویژه پیامبر صلی الله علیه و آله است (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۶/۳۰۷)، شواهدی بر تعمیم آن وجود دارد؛ چه، «أُمَّتِعْكَ» از ماده «متع» است که در آیه ۲۳۶ سوره بقره نیز برای عموم افراد آمده و منظور از آن هدیه‌ای است برای زن مطلقه، که با سطح درآمدی شوهر متناسب باشد. اگرچه «مورد» این متعه در آنجا، صورت جدایی بدون تعیین مهر و پیش از نزدیکی است و در اینجا منظور این است که مقدار مناسبی بر مهر افزوده شود و یا اگر مهریه‌ای تعیین نشده هدیه شایسته‌ای به آن‌ها پرداخت گردد. منظور از «سراح حمیل» نیزها کردن زنان توأم با نیکی و خوبی و بدون نزاع و قهر است (بنگرید به: فاضل مقداد، ۱۴۱۹: ۲/۲۳۹؛ مغنیه، ۱۴۲۴: ۶/۲۱۱؛ مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۳: ۲۸۰/۱۷-۲۸۱) که در جایی دیگر به عموم افراد توصیه شده است (بقره / ۲۲۹). بی تردید از یاد نبردن احسان و فضیلت در کانون اختلافات خانوادگی منتهی به طلاق، پیامی عمومی است (بنگرید به: بقره / ۲۳۷).

مطلوبیت ساده‌زیستی برای حاکمان اسلامی و خانواده آنان

آیه «قُلْ لِأَزْوَاجِكِ إِن كُنْتُنَّ تُرِدْنَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَ زِيَّتَهَا فَتَعَالَيْنَ أُمَتِّعْكَ وَ أَسْرِحْكَ سَرَا حَمِيلاً» (احزاب / ۲۸) نشان می‌دهد همسران پیامبر صلی الله علیه و آله به سان خود حضرت می‌باید ساده‌زیستی را رعایت کنند. پیام روشن آیه آن است که حاکمان و کسانی که در رأس امور قرار دارند، باید الگوی مصرفی مشابه کم‌درآمدترین قشرهای جامعه داشته باشند. امیرمؤمنان علیه السلام در پاسخ یکی از اصحاب خود که از سادگی لباس و غذای حضرت الگو گرفته بود، فرمود: «ویحك، إني لست كأنت، إن الله تعالى فرض على أئمة العدل أن يُقدِّروا

أنفسهم بضعفة الناس كيلا يتبئغ بالفقير فقره» (نهج البلاغه، خطبه ۲۰۹؛ نیز بنگرید به: کلینی، ۱۳۶۷: ۴۱۰/۱).

تشویق به راضی نگه داشتن همسر

از آیه «ذَلِكَ أَذْنَىٰ أَنْ تَقْرَءَ عَنِّي وَلَا يَخَزَنَ وَيَرْضَيْنَ بِمَا آتَيْتَهُنَّ كُلَّهُنَّ» (احزاب / ۵۱) می توان مطلوبیت تدبیر برای راضی نگه داشتن همسر و برطرف کردن غم و اندوه از او را برداشت کرد، حتی در مواردی همچون مسئله همسران پیامبر ﷺ و با وجود مشکلات اخلاقی و رفتاری متعددی که برخی از آن ها گرفتار آن بودند و رسول خدا ﷺ را آزار می دادند.

شخصیت اخلاقی، فراتراز حق و وظیفه

در آیه «إِنَّ ذَلِكُمْ كَانَ يُؤْذِي النَّبِيَّ فَيَسْتَجِيبُ مِنْكُمْ وَ اللَّهُ لَا يَسْتَجِيبُ مِنَ الْحَقِّ» (احزاب / ۵۳) به اذیت شدن پیامبر ﷺ از توقف طولانی میهمانان و سرگرم صحبت شدن آنان در خانه حضرت اشاره شده است، ولی با این حال، رسول خدا ﷺ حیا می فرمود که چیزی به آنان بگوید. پیام این عبارت، شخصیت اخلاقی فرازمند پیامبر ﷺ در آداب و روابط اجتماعی است که توأم با گذشتن از حق خود و فراتراز انجام وظیفه است؛ شخصیتی که الهام بخش همه پیروان آن حضرت است.

نتایج بحث

ذکر مطالب مرتبط با همسران پیامبر ﷺ در قرآن، دو هدف مهم را تعقیب می کند که هر دو، با واقعیت جامعه بشری و بینش و سلوک مؤمنان در ارتباط بوده، هدایت آنان را مد نظر دارد:

نخست: پیام های اخلاقی و رفتاری انسان ساز و تعالی بخش نهفته در این دسته از آیات، که به سان قصص قرآنی، «ارائه معارف» در قالب «مَثَل ها و مُثَل ها» را مد نظر قرار می دهد و با این شیوه، افزون بر جذاب کردن ارائه مطالب برای مخاطب، تأثیری به مراتب

ژرف تراز «القای مستقیم» پیام برجای می‌نهد. استخراج این پیام‌ها، در قالب الگوریتم «تأویل» صورت می‌پذیرد که در روایات معصومان علیهم‌السلام آمده است. استخراج عواملی همچون نقش الگویی، برخورداری از دانش دینی، و انتساب به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در مسئله «مضاعف شدن ثواب و عقاب رفتارهای همسران حضرت»، نمونه‌ای از این مورد است.

دوم: تبیین مسائل چالشی مرتبط با زندگی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و همسران حضرت که نه صرف گزارشگری تاریخی، که اثرگذار در عمق عقاید و باورهای جامعه دینی است، به گونه‌ای که اگر به صورت شفاف در متن کتاب آسمانی نیامده بود، به سبب انگیزه‌های اعتقادی و سیاسی قدرتمند در این عرصه، دستخوش تحریف‌ها و دسیسه‌های فراوانی می‌گشت و با در نقاب کردن چهره حقیقت، انبوهی از شبهات اعتقادی و باورهای غلط را روانه جامعه اسلامی می‌نمود. نمونه بارز این مورد را می‌توان در تعیین مصادیق حقیقی آیه تطهیر «از متن آیات» مشاهده کرد که در متن نوشتار بدان پرداخته شده است.

براین اساس، «پرسش» عدم سودمندی آیات مربوط به همسران پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم پاسخ داده می‌شود و «شبهه» خصوصی‌سازی بخش‌هایی از قرآن از سوی رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، بی‌پایه می‌نماید.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. ابن ابی‌الحدید، عبدالحمید بن هبة الله، شرح نهج البلاغه، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، دار احیاء التراث العربی، بیروت، چاپ دوم، ۱۳۸۷ق.
۳. ابن ادریس، محمد بن احمد، مستطرفات السرائر، جامعه مدّرسین، قم، چاپ دوم، ۱۴۱۰ق.
۴. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول عن آل الرسول صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، تحقیق علی اکبر غفاری، نشر اسلامی، قم، ۱۴۰۴ق.
۵. ابن شهر آشوب، رشید الدین محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، علامه، قم، بی‌تا.
۶. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، نشر ادب الحوزه، قم، ۱۴۰۵ق.
۷. بحرانی، سید هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، ۱۴۱۶ق.

۸. برقي، احمد بن محمد بن خالد، *المحاسن*، تحقيق سيد جلال الدين حسيني، دار الكتب الاسلاميه، بي جا، بي تا.
۹. جصاص، احمد بن علي، *احكام القرآن*، دار الكتب العلميه، بيروت، ۱۴۱۵ق.
۱۰. حكيم، محمد تقى، *الاصول العامة فى الفقه المقارن*، مؤسسه آل البيت عليه السلام، چاپ دوم، ۱۳۹۰ق.
۱۱. رازى، محمد بن عمر، *مفاتيح الغيب*، دار احياء التراث العربى، بيروت، ۱۴۲۰ق.
۱۲. راغب اصفهاني، حسين بن محمد، *مفردات الفاظ القرآن*، دار القلم، دمشق - الدار الشاميه، بيروت، ۱۴۱۶ق.
۱۳. سيوطى، جلال الدين، *الدر المنثور فى تفسير المأثور*، كتابخانه آية الله العظمى مرعشى نجفى، قم، ۱۴۰۴ق.
۱۴. شاطبى، ابراهيم بن موسى، *المواقفات فى اصول الشريعة*، تحقيق خالد عبدالفتاح شبل، مؤسسة الكتب الثقافيه، بيروت، ۱۴۲۰ق.
۱۵. شاکر، محمد کاظم، *روش های تاویل قرآن*، بوستان کتاب، قم، ۱۳۷۶ش.
۱۶. صادقى تهرانى، محمد، *الفرقان فى تفسير القرآن بالقرآن*، انتشارات فرهنگ اسلامى، قم، ۱۳۶۵ش.
۱۷. صفار، محمد بن حسن، *بصائر الدرجات الكبرى*، تحقيق حسن كوجه باغى، مؤسسة الاعلمى، تهران، ۱۴۰۴ق.
۱۸. طباطبايى، محمد حسين، *الميزان فى تفسير القرآن*، مؤسسة الاعلمى للمطبوعات، بيروت، ۱۴۱۷ق.
۱۹. طبرسى، حسن بن فضل، *مكارم الاخلاق*، منشورات الشريف الرضى، بي جا، ۱۳۹۲ق.
۲۰. طبرسى، فضل بن حسن، *مجمع البيان فى تفسير القرآن*، دار المعرفه، بيروت، ۱۴۰۶ق.
۲۱. طبرى، محمد بن جرير، *جامع البيان*، دار المعرفه، بيروت، ۱۴۱۲ق.
۲۲. طوسى، محمد بن حسن، *تهذيب الاحكام*، دار الكتب الاسلاميه، بي جا، چاپ چهارم، ۱۳۶۵ش.
۲۳. عاملى، سيد جعفر مرتضى، *الصحيح من سيرة النبي الاعظم ﷺ*، دار الهادى للطباعة و النشر، بيروت، ۱۴۱۵ق.
۲۴. عياشى، محمد بن مسعود، *تفسير العياشى*، تحقيق سيد هاشم رسولى محلاتى، المكتبة العلمية الاسلاميه، تهران، بي تا.
۲۵. فاضل مقداد، مقداد بن عبدالله، *كنز العرفان*، مجمع جهانى تقريب مذاهب اسلامى، بي جا، ۱۴۱۹ق.
۲۶. قرطبى، محمد بن احمد، *الجامع لاحكام القرآن*، مؤسسة التاريخ العربى، بيروت، ۱۴۰۵ق.

۲۷. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، تصحیح علی اکبر غفاری، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ سوم، ۱۳۶۷ ش.
۲۸. متقی، علی بن حسام الدین، *کنز العمال*، مؤسسة الرساله، بیروت، بی تا.
۲۹. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، *بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار*، مؤسسة الوفاء، بیروت، چاپ سوم، ۱۴۰۳ ق.
۳۰. مطهری، مرتضی، *مسئله حجاب*، انتشارات صدرا، تهران، ۱۳۷۴ ش.
۳۱. معرفت، محمد هادی، *التفسیر الاثری الجامع*، مؤسسة التمهید، قم، ۱۳۸۳ ش.
۳۲. _____، *شبهات وردود*، مؤسسة التمهید، قم، ۱۴۲۳ ق.
۳۳. مغنیه، محمد جواد، *تفسیر الکاشف*، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۴۲۴ ق.
۳۴. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، *تفسیر نمونه*، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ شانزدهم، ۱۳۷۳ ش.
۳۵. واحدی نیشابوری، علی بن احمد، *اسباب نزول القرآن*، تحقیق کمال بسیونی زغلول، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۱ ق.